

نماز و مدیریت

نگارش: زهرا شکوری

محل خدمت: شرکت آب و فاضلاب شهری استان نجان

پاییز ۹۵

فهرست :

- ۱- معنا و مفهوم نماز ----- ۲
- ۲- اقامه نماز ----- ۳
- ۳- آداب نماز و آثار تربیتی آن ----- ۱۰
- ۴- آثار فردی و اجتماعی نماز ----- ۱۲
- ۵- آثار و عواقب ترک نماز ----- ۱۳
- ۶- هشدار پیامبر نسبت به خانواده ها ----- ۱۳
- ۷- چرا نماز می خوانیم ----- ۱۳
- ۸- نقش نماز در تأمین امنیت اجتماعی ----- ۲۰
- ۹- چند حکایت ... ----- ۲۳
- ۱۰- نماز بزرگان ----- ۲۵
- ۱۱- نتیجه گیری ----- ۲۵
- ۱۲- منابع ----- ۲۷

این مقاله به طور کلی شرح نماز است و به بررسی تاثیرات نماز در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و شخصیتی انسان چه در صورت نماز خواندن و چه در صورت نماز نخواندن می پردازیم و اینکه با آداب نماز و آثار تربیتی آن و با علت نماز خواندن آشنا می شویم . به طور کلی هدف از مقاله آگاه ساختن مردم نسبت به نماز و تاثیرات آن است و این مقاله از این جهت اهمیت دارد که ما بدانیم نمازی را که خداوند از واجبات قرار داده نه فقط برای پرستش او بلکه برای استفاده مفید ما از آن است که خود را از گناه و عصیان خارج ساخته و به معبود واقعی برسانیم و بتوانیم با آثار و عواقب ترک نماز آشنا شویم.

نماز در حکومت صالحان و مدیریت اسلامی، نقشی زیربنایی و بی بدیل دارد و باید گفت نظام اسلامی منهای نماز یعنی نظام منهای اسلام و شایستگی.

قرآن مجید نخستین و مهم ترین وظیفه رهبران نظام الهی را برپایی نماز می داند و می فرماید.

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. (حج: ۴۱)

کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپای دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

حکومت اسلامی توسط رسول خداصلی الله وعلیه وآله نیز با تأسیس "مسجدالنبی" در مدینه منوره آغاز شد و ایشان در روزهای نخست اقامت در مدینه، زمینی را برای ساخت مسجد مشخص کرد و با همکاری مسلمانان و در چند مرحله ساختمان آن را به پایان رساند.

با مروری بر آموزه های اسلام و قرآن، ارتباط نماز و مدیریت بر جامعه اسلامی قطعی است که در این مجال به گوشه ای از نوع ارتباط نماز و مدیریت و تأثیر شگرف نماز بر مدیریت، اشاره می کنیم.

در رابطه با مقاله ی ما که موضوع آن نماز است تحقیقات بسیاری صورت گرفته زیرا که کشور ما کشوری اسلامی و به بحث نماز و دین اهمیت بسیاری میدهد به همین دلیل است که این تحقیقات به فراوان یافت می شوند و پربارترین آنها متعلق به بزرگان مذهب در کشور است.

مقاله ای را که خواهیم خواند در رابطه با نماز است که به بررسی تاثیر نماز و مدیریت می پردازد ، نماز تنها راه ارتباط با خداوند است .

معنا و مفهوم نماز

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرائض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا می آورند .

نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرود آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام .

نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز، رابطه معنوی مخلوق با خالق است. نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح؛ یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن .

در اهمیت نماز همین بس که حضرت علی(ع) در جنگ صفین و امام حسین(ع) در ظهر عاشورا دست از جنگ کشیدند و به نماز ایستادند. و آن گاه که به علی(ع) ایراد گرفتند که چه هنگام نماز است؟ ایشان فرمود: ما برای همین می جنگیم تا مردم اهل نماز باشند.

در زیارت نامه وارث می خوانیم: (اشهد انک قد اقامت الصلوة؛ شهادت می دهم که تو نماز را برپا داشتی).

حضرت علی(ع) درباره نماز بارها سخن به میان آورده که در این جا به چند نمونه اشاره می کنیم.

الف) درباره برکات نماز می فرماید: فرشتگان، آنان را در بر می گیرند و آرامش بر آنان نازل می شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می شود.

ب) در خطبه ۱۹۶ نهج البلاغه گوشه هایی از مفاسد اخلاقی هم چون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمارد و آن گاه می فرماید: نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشم ها را خاضع و خاشع می گرداند، نفس سرکش را رام و دل ها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند.

ج) هم چنین در نامه ای به محمد بن ابی بکر می نویسد: نماز را در وقت معین آن به جای آر و به خاطر آسوده بودن از کار نماز، پیش از وقت معین آن را برپای مدار و آن را واپس مینداز.

اقامه نماز

چنان که یاد شد نخستین وظیفه کسانی که از سوی خدا به حکومت می رسند "اقامه نماز" است و اقامه نماز غیر از ادای نماز است؛ ادای نماز وظیفه فردی هر مسلمان است که در هر مکان و با هر موقعیت اجتماعی بدان اقدام می کند ولی اقامه نماز مرتبه بالاتری است و در سطح کلی جامعه وظیفه مدیران جامعه اسلامی به ویژه رهبر امت است و باید گفت؛ اقامه نماز شرط مشروعیت رهبران جامعه اسلامی است که اگر بدان اقدام نکنند مشروعیت خود را از دست می دهند.

منظور از اقامه نماز برپایی صوری و ظاهری آن نیست بلکه قرآن مجید به ابعاد گوناگون و ژرف این عبادت بی بدیل نظر دارد؛ چنان که آوردن سه موضوع بسیار مهم زکات و امر به معروف و نهی از منکر در کنار نماز گویای همراهی آنها با یکدیگر است.

امام صادق علیه السلام درباره نماز و برپایی صحیح آن می فرماید:

لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ أَلْفِ حُدُودٍ.

بدیهی است هر چه این شرایط بیشتر مهیا شود نماز از ارزش بیشتری برخوردار می گردد و این وظیفه مدیران جامعه است که بستر تحقق آن شرایط را فراهم کنند تا نماز واقعی و با شرایط هر چه بیشتر اقامه گردد.

یکی از گام های نخست برای اقامه نماز، تهذیب و تربیت اسلامی خود مدیران است؛ تا آنان خود را از گناه و زشتی و ستم و خیانت و دیگر رذائل اخلاقی پاک نکنند و به عدالت، اخلاص، تقوا، امانت داری، صداقت و دیگر فضائل اخلاقی آراسته نشوند، نمی توانند نماز را آن گونه که شایسته است اقامه کنند. بنابراین اگر مدیران، انسان های صالح باشند، مدیریت آنان به اقامه نماز در جامعه می انجامد و اگر ناشایست باشند، نتیجه مدیریت آنها ضایع شدن نماز است.

تأثیر نماز بر مدیریت در حوزه های گوناگون صنعت، تجارت، اقتصاد، فرهنگ و هنر و نیز حوزه های سیاسی - اجتماعی بسیار وسیع و ژرف است از جمله:

۱- در حوزه اقتصاد؛ مدیر نمازگزار موظف است خود و مجموعه تحت امرش را از حرام خواری باز دارد، درآمد حلال داشته باشد، اموال شخصی و عمومی را در چارچوب شرع هزینه کند، از هر گونه فساد مالی، اختلاس و هر کار اقتصادی که با نماز هماهنگ نیست، جلوگیری کند و خود نیز انجام ندهد. به طور مثال باید از نفوذ معاملات ربوی در حیطه مدیریت خودش جلوگیری کند؛ چرا که قرآن مجید می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ × فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ (بقره)

ای کسانی که ایمان آورده اید، تتمه ربا را واگذارید و اگر چنین نمی کنید با خدا و پیامبرش اعلان جنگ کرده اید.

حال اگر در حوزه مدیریتی یک مدیر مسلمان، ربا راه یابد او چگونه می تواند در حالی که به جنگ خدا و پیامبر رفته، مدعی اقامه نماز در سازمانش شود؟

۲- در حوزه نظامی؛ در این حوزه نیز نقش نماز آشکار است و فرماندهان نظامی در پرتو نماز و یاد خدا به تلاش های خویش ادامه می دهند. در نيمروزی از جنگ صفين، اميرمؤمنان عليه السلام، سخت مشغول پیکار بود و گاه و بیگاه در اثنای نبرد به آسمان نظر می کرد. این کار، ابن عباس را شگفت زده کرد؛ از این رو، علت آن را جویا شد. امام پاسخ داد: مواظب گردش خورشیدم تا به موقع نماز بگذاریم. ابن عباس اظهار داشت: اینک در گرماگرم نبرد چه وقت نماز گزاردن است؟ امام فرمود:

عَلَى مَا نُقَاتِلُهُمْ؟ إِنَّمَا نُقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ.

ما برای چه با اینان پیکار می کنیم؟ جنگ ما برای نماز است.

می بینیم که بزرگ ترین رهبر الهی در حساس ترین زمان مدیریتی خویش در اندیشه اقامه نماز است و با توجه به این که سخن و عمل معصوم برای دیگران حجت است، همه مدیران جامعه اسلامی باید چنین باشند.

پناه بردن به درگاه الهی در کوران حوادث و سختی ها زیباترین اقدام یک مدیر موفق است؛ چرا که در این صورت او به منبع قدرت و عزت و گشایش پناه برده است؛ خدایی که مطمئن ترین دوست و یاور در حل همه مشکلات است.

قرآن مجید - به عنوان یک وظیفه خطیر مدیریتی - بر راز و نیاز شبانه پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله تأکید کرده، می فرماید:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً × إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلًا. (مزمّل: ۶)

قطعاً برخاستن شب، رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین تر است، تو را در روز آمد و شدی دراز است.

به معنای دویدن و تند راه رفتن در آب است و در اینجا منظور اشتغال فراوان به کارهای روزانه، اعم از کارهای شخصی و مدیریتی است که به طور معمول بیشتر وقت مدیر و رهبر را در بر می گیرد. پیام آیه این است که چون در روز مشاغل و گرفتاری ها فراوان است، مدیر بسان شناگر در امواج متلاطم زندگی به هر سو حرکت می کند و توان او کاهش می یابد؛ از این رو، نیمه های شب باید به تجدید قوا بپردازد و با راز و نیاز عاشقانه و عارفانه به منبع فیض و برکت الهی وصل شود تا در طول مدیریت خویش، گرفتار روزمرگی نگردد و از تلاش و مسئولیت باز نایستد.

۳- در حوزه اجتماعی؛ فراخوان روزانه آحاد جامعه و به صف کردن آنها در پنج نوبت از ابتکارات مدیریت اجتماعی رهبران آسمانی است. این پدیده زیبا در شریعت مقدس اسلام، روزانه در پنج نوبت با ندای توحیدی اذان، شکل می گیرد و مسلمانان در هر کوی و برزن، اداره و کارخانه و دیگر اماکن عمومی با شنیدن صدای اذان گرد هم می آیند و دسته جمعی به پرستش خدای یگانه می پردازند و در صفوف متحد، رو به کعبه می ایستند و جهت گیری آسمانی، انسانی، اخلاقی و رفتاری خویش را آشکار می سازند. این گونه نمازگزاران از ارزشی بس والا برخوردار است و اگر تعداد افراد نمازگزار به ده نفر برسد کسی جز خدا توان محاسبه پاداش آن را ندارد.

جنبه های مدیریتی نماز جماعت فراوان است از جمله:

۱- حضور جمعی مردم در صفوف به هم فشرده نماز جماعت، تأیید عملی معارف دینی و صراط مستقیم الهی است. به تعبیر امام رضا علیه السلام:

مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالزَّجْرِ عَنِ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ در نماز جماعت، همیاری بر نیکی و تقوا نهفته است و در مقابل از بسیاری از گناهان پیشگیری می شود.

زیرا مؤمنان نمازگزار در صف نماز جماعت به هم نزدیک تر می شوند، همگی با خدای خوبی ها پیمان خوب شدن می بندند و عزم خویش را بر رفتار و کردار نیکو جزم می کنند.

۲- تشکیل به موقع نماز جماعت، بر مدیریت زمان، تأثیر مستقیم دارد و مدیر مسلمان برنامه زیرمجموعه خود را بر اساس آن تنظیم می کند.

۳- تشکیل نمازهای جماعت، قطعاً لطف و مرحمت الهی را در پی دارد و برکات آسمانی و زمینی را به ارمغان می آورد؛ چنان که قرآن مجید می فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... (اعراف: ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم.

با توجه به این که نماز جماعت، بهترین نماد تقوا در جامعه است، وعده الهی را در پی خواهد داشت و سبب رونق مادی و معنوی کشور و تسهیل مدیریت خواهد شد.

۴- مردم با حضور روزانه خود در نماز جماعت از حال همکیشان و هموطنان خود آگاه می شوند و از همین رهگذر اخلاق اجتماعی و روحیه همبستگی آنان تقویت می شود که نتیجه آن، کمک بسیار مهمی به مدیریت هر مجموعه است.

۵- تمرین کار جمعی در نمازهای جماعت به شکل روزانه و با نیت الهی، از دیگر آثار نماز جماعت است و در بهبود مدیریت و ارتقای روحیه اطاعت پذیری و پیروی از رهبر و سلسله مراتب نقش مستقیم دارد و همان گونه که مأمومین موظفند در همه افعال نماز از امام پیروی کنند، امام نیز مسئولیت انجام صحیح نماز را با نیت خالص و با قصد قرب الهی بر عهده دارد و به نمایندگی از جمع با خدا سخن می گوید. او حتی مجاز نیست که در نماز دعای شخصی کند و باید برای همگان دعا نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَأَخْتَصَّ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ فَقَدْ خَانَهُمْ.

هر کس امام جماعتی شود و تنها برای خود دعا کند به آنان خیانت کرده است.

نقش اجتماعی نماز و به ویژه تأثیر آن بر مدیریت جامعه در نماز جمعه مشهودتر است؛ چرا که:

۱- امام جمعه در خطبه های نماز مردم را به مراعات تقوا و عدالت دعوت می کند و چون خود عامل به آنهاست، به طور طبیعی در نمازگزاران نیز تأثیر می گذارد و نماز جمعه از این رهگذر نقش مستقیم در تربیت صحیح افراد جامعه اسلامی دارد.

۲- امام جمعه در سنگر محراب یعنی سنگر پیکار با نفس اماره و شیطان در حالی که سلاح در دست دارد، استوار می ایستد و افزون بر خویشتن، نمازگزاران را به جهاد نفس فرامی خواند. امام جمعه در حکم فرماندهی است که جامعه را در مصاف جنگ نرم با دشمن درونی و بیرونی هدایت می کند. این نقش آفرینی مؤثر، خود از امتیازات مدیریت در جامعه اسلامی است.

۳- آگاهی بخشی که از ابزار مدیریت نوین است و در اثر بخشی، نقشی پررنگ دارد در خطبه های نماز جمعه به شکلی جامع تأمین می شود، زیرا وظیفه خطیب آن است که نمازگزاران را از مسائل روز جامعه، چه درون مرزی و چه منطقه ای و جهانی آگاه سازد.

۴- امنیت ملی، رکن مدیریت کشور است و نماز جمعه نقش محوری در امنیت ملی دارد؛ چرا که حضور میلیونی مردم - آن هم با نیت نماز و قصد قربت و حالت معنوی - در میعادگاه های نماز جمعه، به ظهور رساندن مردم سالاری دینی و پشتوانه مردمی نظام اسلامی است که این دستاورد بزرگ نیز تنها نصیب دولت اسلامی می شود و سایر کشورها از چنین نعمتی محرومند.

از منظر امام خمینی رحمه الله نماز جمعه بهترین مرکز انسجام و وحدت ملت های مسلمان و رفع گرفتاری ها و نابسامانی آنهاست. امروز اگر ائمه جمعه - که از همه بلاد اطراف آمده اند - وقتی که رفتند در بلاد خودشان، در همان جمعه اول، گرفتاری های مسلمین را و این که راه [رفع] گرفتاری چیست، گرفتاری چه بوده است؟ علت گرفتاری چه بوده و راه حل آن چیست و راه نجات چیست؟ به مردم بفهمانند، اگر همه با هم این مسائل را طرح کنند، مطمئن باشید که حکومت ها نمی توانند شما را آزار بدهند.

۵- مدیریت بحران، سخت ترین مرحله مدیریت است که همگان از عهده آن برنمی آیند، ولی نماز جمعه و خطیب آن، از یک سو مرکز پیشگیری بحران های اجتماعی هستند و از سویی مهم ترین عامل تنش زدایی و کنترل بحران های اجتماعی به شمار می روند و اهرم قدرتمندی هستند که در بحران ها به کمک مدیریت کشور می آیند. امام راحل در مورد چنین نقشی می فرماید:

ائمه جمعه و جماعات - ایدهم الله تعالی - در خطبه ها و منابر و سایر گویندگان کوشش فرمایند که آرامش در کشور برقرار باشد و از هر سخنی که موجب نگرانی مردم و تفرقه شود خودداری نمایند و مردم را در پشتیبانی از ملت و تمام ارگان های جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی و قوای مسلح و مردمی تشویق فرمایند.

مسجد در صدر اسلام، یگانه مرکز مدیریتی دولت اسلامی پیامبر بود و همه امور حکومتی در آنجا رتق و فتق می شد مانند، بسیج نیرو، تهیه تدارکات جنگی، قضاوت، کاریابی، دیدارهای عمومی و خصوصی پیامبر صلی الله علیه وآله، ملاقات هیئت های نمایندگی خارجی، عقد قراردادهای سیاسی و نظامی و....

امام رحمه الله در این مورد می فرماید:

در صدر اسلام مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است؛ از مسجد راه می انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می شد. مسجد محلّ این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود. امام راحل در سخن دیگر می فرماید:

ما باید این محتوای عظیم را بازگردانیم و اهتمام به امور مسلمین داشته باشیم و اهتمام به امور مسلمین تنها مسأله گویی نیست، علاوه بر آنها امور سیاسی و اجتماعی و سایر گرفتاری های مسلمین است - که هر کس به آنها اهتمام نکند مسلمان نیست - و شما [ائمه جمعه و جماعات] باید بر تمام امور مسلمین نظارت داشته باشید و سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد.

امام راحل در اندیشه نهضت جهانی اسلام و زمینه سازی برای ظهور منجی نهایی بود و تنها مرکزی که استعداد چنین امر مهمی را دارد مسجد است؛ در همین مورد، امام خمینی رحمه الله می فرماید:

اگر هر روز جمعه [مردم] مجتمع می شدند و مشکلات مسلمانان را به یاد می آوردند و رفع می کردند یا تصمیم به رفع آن می گرفتند کار به اینجا نمی کشید. امروز باید با جدّیت این اجتماعات را ترتیب دهیم و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم. به این ترتیب، نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام وسعت پیدا می کند و اوج می گیرد.

چنان که در دوران مبارزه و شروع انقلاب اسلامی تا پیروزی و نیز در اوایل انقلاب و دوران هشت ساله دفاع مقدس، نقش منحصر به فرد مساجد در مدیریت مبارزه، انقلاب و جنگ، مثال زدنی است. مسجد در دوران مبارزه کانون انقلابیون و مبارزان مسلمان بود و علاوه بر اطلاع رسانی و روشن گری، محل شناسایی نیروهای مبارز و جذب و سازمان دهی به شمار می رفت.

نامه ها و اعلامیه های رهبری انقلاب برای علمای شهرها و ائمه جماعات در مساجد صادر می شد و مردم از همین رهگذر در جریان منویات رهبر خویش قرار می گرفتند.

سرچشمه و آغاز تظاهرات میلیونی زمان انقلاب، جایی جز مسجد نبود. در دوران جنگ تحمیلی نیز، سازماندهی نیروهای انسانی، جمع آوری نیازمندی ها و تدارکات و امداد و بخشی از هزینه های دفاع مقدس در مساجد شهرها و روستاها تأمین می شد.

در خاورمیانه نیز، مسجداقصی، نمازهای جمعه و جماعت، اجتماع پرشکوه مسلمانان در مراسمی که در مساجد برگزار می شود، از مؤلفه های مهم مبارزه با دشمنان اسلام است. به طور مثال کشمکش های دولت هایی چون فرانسه، هند، هلند، انگلیس و... با اهل مسجد، گاه و بی گاه در صدر اخبار رسانه ها قرار می گیرد که حاکی از تأثیرگذاری بالای مسجد در مدیریت مبارزه حق و باطل است؛ همان طور که بخشی از این مبارزات، به حفظ پایگاه مسجد مربوط می شود و قرآن مجید می فرماید:

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا.... (حج: ٤٠)

اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد.

رژیم غاصب صهیونیستی بیش از شش دهه است که قبله نخستین مسلمانان را همراه سرزمین کشور اسلامی فلسطین، اشغال کرده است و آنچه مردم مظلوم فلسطین و مسلمانان غیور را در این سالیان دراز در میدان مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی نگه داشته است، همانا مسجد الاقصی است که با قامتی رسا خواب راحت را از چشمان دژخیمان غاصب ربوده و پرچم امید به پیروزی را بر فراز گنبد خویش به اهتزاز داشته است.

آزادسازی مسجد الاقصی رمز پیروزی است و تا این مکان مقدس از چنگال غاصبان صهیونیست آزاد نگردد پیکار و مبارزه ادامه خواهد داشت؛ چنان که صداقت و راستی مسلمانان جهان به ویژه دولت های اسلامی با طرفداری جدی از قدس محک می خورد و اگر کسی جز به آزادی این مسجد شریف بیندیشد به آرمان فلسطین و راهبرد جهان اسلام خیانت کرده است.

از منظر دیگر مسجد الاقصی، محور اتحاد و یکپارچگی جهان اسلام است و از همین جایگاه مانع هرگونه سازش با استکبار جهانی و رژیم اشغالگر می شود و تا کنون به هیچ خائنی اجازه سازش بر سر فلسطین را نداده است.

نتیجه

نماز دریای بی کران معنویت است و اگر با شرایط و آداب و به طور صحیح برگزار شود، انسان و جامعه نمازگزار را به معراج می برد و سعادت دو سرای او را تأمین می کند.

یکی از ابعاد ارزشمند نماز، مدیریت جامعه اسلامی بر محور خداپرستی است. مدیران مسلمان، سازمان و جامعه خود را بر مدار نماز مدیریت می کنند تا آنجا که محتوا و جهت گیری نماز، روح حاکم بر سازمان می شود و همواره آن را به سوی ترقی و تکامل جهت دار رهنمون می کند.

جامعه با نماز از پوچی و بلا تکلیفی نجات می یابد و همواره خویشتن را با قدرت بی منتهای الهی مرتبط می بیند در نتیجه؛

احساس شادابی و نشاط می کند و همواره بر کار و تلاش می افزاید و بازدهی بیشتری دارد.

نسبت به وضع موجود و آینده، احساس مسئولیت می کند و به آرمان های بلند می اندیشد و تن به محدودیت و حقارت نمی دهد؛

چرا که چشم به خدای آسمان و زمین دوخته است.

نقاط قوت و ضعف خود را رصد می کند؛ ضعف ها را می زداید و بر قوت ها می افزاید و می کوشد در اندیشه و اخلاق و عمل بر صراط مستقیم استوار بماند.

در نماز می آموزد که بهترین راه تکامل همان حرکت جمعی و تعاون بر برّ و تقواست.

احساس نوع دوستی و نیکی و مهربانی به دیگران و همراه شدن با آنان تا خدا، از دیگر آثار سودمند مدیریت نماز است که حتی در نماز فرادی نیز بر زبان نمازگزار تکرار می شود و او را به یاد همراهان مترنم می کند که "اهدنا الصراط المستقیم".

- امنیت اجتماعی که در پرتو نماز برای اجتماع اسلامی حاصل می شود، دستاوردی منحصر به فرد است و هیچ مدیریت بشری نمی تواند چنین آرامشی را به ارمغان بیاورد؛ زیرا نماز ذکر خداست و تنها با یاد خدا دل ها آرامش می پذیرد.

آداب نماز و آثار تربیتی آن

نماز موجب یاد خداست:

یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روح طغیان است. «نمازگزار» همواره به یاد خدا می باشد، خدایی که از تمام کارهای کوچک و بزرگ ما آگاه است، خدایی که از آنچه در زوایای روان ما وجود دارد و یا از اندیشه ما می گذارد، مطلع و باخبر است و کمترین اثر یاد خدا این است که به خودکامگی انسان و هوسهای وی اعتدال می بخشد، چنان که غفلت از یاد خدا و بی خبری از پاداشها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم فروغی آن می شود.

انسان غافل از خدا در عاقبت اعمال و کردار خود نمی اندیشد و برای ارضای تمایلات و غرایز سرکش خود حد و مرزی را نمی شناسد و این نماز است که او را در شبانه روز پنج بار به یاد خدا می اندازد و تیرگی غفلت را از روح و روانش پاک می سازد .

به راستی، انسان که پایه حکومت غرایز در کانون وجود او مستحکم است، بهترین راه برای کنترل غرایز و خواسته های مرزنشناس او همان یاد خدا، یاد کیفرهای خطاکاران و حسابهای دقیق و اشتباه ناپذیر آن می باشد. از این نظر قرآن یکی از اسرار نماز را یاد خدا معرفی می کند: «اقم الصلوة لذكرك؛ نماز را برای یاد من بپادار!»

دوری از گناه:

نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً، یکی از شرایط نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می رود، مانند آب وضو و غسل، جامه ای که با آن نماز می گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می شود که گرد حرام نرود و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز به حلال بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی پروا باشد.

گویا آیه زیر به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر؛ که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد .

بالاخص اگر نمازگزار متوجه باشد که شرط قبولی نماز در پیشگاه خداوند این است که نمازگزار زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد و به این ترتیب نمازگزار حقیقی ناگزیر است تمام این امور را رعایت کند. روی همین جهات، پیامبر گرامی ما(صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: نماز چون نهر آب صافی است که انسان خود را در آن شست و شو دهد، هرگز بدن او آلوده و کثیف نمی‌شود. همچنین کسی که در شبانه روز پنج مرتبه نماز بخواند و قلب خود را در این چشمه صاف معنوی شست و شو دهد، هرگز آلودگی گناه بر دل و جان او نمی‌نشیند.

آثار فردی و تربیتی نماز به آنچه که گفته شد منحصر نیست؛ ولی این نمونه می‌تواند نشانه کوچکی از اسرار بزرگ این عبادت بزرگ اسلامی باشد.

نظافت و بهداشت :

از آنجا که نمازگزار در برخی از مواقع همه بدن را باید به عنوان «غسل» بشوید و معمولاً در شبانه روز چند بار وضو بگیرد و پیش از غسل و وضو تمام بدن خود را از هر نوع کثافت و آلودگی پاک سازد؛ ناچار یک فرد تمیز و نظیف خواهد بود. از این نظر نماز به بهداشت و موضوع نظافت که یک امر حیاتی است کمک می‌کند.

انضباط و وقت‌شناسی:

نمازهای اسلامی هر کدام برای خود وقت مخصوص و معینی دارد و فرد نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند، لذا این عبادت اسلامی به انضباط و وقت‌شناسی کمک مؤثری می‌کند.

بالاخص که نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، طبعاً یک چنین فردی گذشته از این که از هوای پاک و نسیم صبحگاهان استفاده می‌نماید، به موقع فعالیت‌های مثبت زندگی را آغاز می‌کند.

آثار فردی و تربیتی نماز به آنچه که گفته شد منحصر نیست؛ ولی این نمونه می‌تواند نشانه اسرار بزرگ این عبادت بزرگ اسلامی باشد.

آداب نماز یکی از مهمترین و البته سخت ترین کارها در نماز است که می شود گفت (پشت پرده) نماز است. رعایت آداب نماز باعث دست یافتن نمازگزاران به آثار تربیتی نماز است. توجه به آثار تربیتی نماز به قدری زیاد است که نمی توان آنها را برشمرد اما ما در اینجا به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

۱- ادب در برابر سخن امام جماعت؛ در نماز جماعت وقتی امام مشغول خواندن حمد و سوره است باید ساکت باشیم. ۲- مراعات حقوق دیگران؛ آب وضو، مکان نمازگزار و لباس او باید حلال و از مال دیگران و غصبی نباشد؛ حتی اگر از مال خمس نداده لباس تهیه کند، نمازش باطل است .

۳- تغذیه و بهداشت نمازگزار؛ اگر نمازگزار از مشروبات الکلی استفاده کرده باشد، تا چهل روز نمازش مورد قبول نیست. لباس نمازگزار نیز باید پاک باشد و بهتر است به هنگام نماز عطر و مسواک زد و موها را شانه کرد .

۴- همسررداری؛ کسی که به همسر خود نیش بزند، نمازش قبول نیست .

۵- ولایت؛ کسی که اهل نماز است ولی تسلیم طاغوت ها است و ولایت و حکومت رهبران اسلامی را پذیرا نیست، نمازش قبول نیست؛ گرچه تمام عمر در کنار کعبه باشد .

۶- نظم و ترتیب؛ در تمام کلمات و کارهای نماز نظم و ترتیب به چشم می خورد .

۷- انعطاف و هم آهنگی؛ امام جماعت باید با مردم هم آهنگ باشد؛ به این معنا که مراعات ضعیف ترین افراد را بکند. اگر کسی دیر به جماعت رسید، امام باید کمی رکوع خود را طول بدهد تا او نیز به نماز برسد. مردم نیز باید خود را با امام هم آهنگ کنند؛ مثلاً کسانی که یک رکعت از نماز جماعت عقب هستند و در رکعت دوم به جماعت پیوسته اند، می توانند با نوعی انعطاف و تغییر در نماز جماعت شرکت کنند .

۸- اعتماد؛ اگر هریک از امام یا مردم در انجام قسمتی از نماز شک کردند، باید به یک دیگر اعتماد کنند؛ یعنی با توجه به رفتار دیگری تصمیم بگیرند .

۹- ورزش؛ اگرچه نماز برای انجام وظیفه الهی است، ولی طراحی آن طوری است که در لابه لای نماز و حرکات رکوع و سجود یک نوع حرکت ورزشی نیز نهفته است .

۱۰- آموزش اجباری؛ نمازگزار باید مسائل و احکام مورد نیاز خود را فراگیرد .

۱۱- گاهی از اخبار؛ مردم با شرکت در نماز جمعه و جماعت با اخبار و مسائل دینی و مشکلات مسلمانان آشنا

می شوند .

۱۲- امر به معروف و نهی از منکر؛ (حی علی الصلوه) در اذان یکی از بزرگ ترین معروف ها است .

آثار فردی و اجتماعی نماز

فرد نماز گزار برخلاف فردی که نماز نمی خواند از آرامش روحی بسیار بالایی برخوردار است و همچنین بدلیل اهمیت دادن به نماز به خداوند خوبی ها نزدیک شده و خداوند از او در تمام مراحل زندگی حمایت می کند.

نماز گزار هیچ گاه چشمش را به چیز های حرام آلوده نمی سازد و به دنبال این عمل از هوس های زودگذر و وسوسه های شیطانی آزاد و پاک می شود.

امروزه افزایش نا هنجاری های فرهنگی در کشور های مختلف ، باعث به دام افتادن جوانان و نوجوانان بسیاری به این ناهنجاری ها می شود که نتیجه آن نابودی باورها و فرهنگ این کشور هاست. در اینجا است که نماز به صورت ناجی به یاری این افراد می پردازد و از سقوط و نابودی اجتماعی و فرهنگی این افراد جلوگیری می کند .

آثار و عواقب ترک نماز

ترک نماز در دنیا و آخرت عواقب تلخی دارد .

در قیامت، اهل بهشت از دوزخیان می پرسند: چه چیزی شما را روانه جهنم کرد؟ یکی از پاسخ هایشان این است که ما پای بند به نماز نبودیم. در جایی دیگر به نماز گزارانی که در نمازشان سهل انگارند؛ یعنی گاهی می خوانند و گاهی نمی خوانند، می گوید: وای بر آنان .

رسول خدا(ص) فرموده است: (من ترک الصلوه متعمدا فقد کفر؛ هر که عمدا نماز را ترک کند، از اسلام خارج شده و کافر است.)

در جایی دیگر می فرماید: (بین العبد و بین الکفر ترک الصلوه؛ مرز بین بنده خدا و کفر، ترک نماز است.)

هیچ انسان با وجدان و متفکری نیست که از ابعاد و اسرار و ظرایف نماز آگاه باشد ولی از کنار آن ها بی اعتنا رد شود، مگر کسانی که به خاطر غفلت و بی خبری، توفیق سخن گفتن با خداوند را از خود سلب کرده اند.

هشدار پیامبر نسبت به خانواده ها

پیامبر اکرم (ص) از کنار کودکان عبور می کرد، فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان به خاطر پدرانشان. گفته شد، یا رسول الله منظورتان پدران مشرک است؟ حضرت فرمودند: خیر پدران مومن، پدرانی که هیچ یک از احکام و واجبات و فرایض دینی را به

فرزندانشان نمی آموزند و اگر خود فرزندان در پی آموزش آن باشند ممانعت می کنند و به اندکی از منافع دنیا که به فرزندشان برسد راضی هستند. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزار.

چرا نماز می خوانیم ؟

نماز از ارکان عبادات حق است ، بنابراین اول باید بدانیم چرا خداوند را عبادت می کنیم تا آنگاه فلسفه نماز نیز روشن گردد. یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی ، حس نیایش و پرستش است ، هر زمان و مکانی که بشر وجود داشته است ، نیایش و پرستش نیز وجود داشته است . پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند ، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد به بشر آموختند . احساس نیایش ، احساس و نیاز غریزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که در آن زشتی وجود ندارد ، انسان در حال پرستش از وجود محدود خویش می خواهد پرواز کند و به حقیقتی پیوند یابد که در آنجا نقص و کاستی و فنا و محدودیت وجود ندارد و به قول «اینشتاین – دانشمند بزرگ عصر ما : در این حال فرد به کوچکی آمال و اهداف بشری پی می برد و عظمت و جلالی را که در ماورای امور و پدیده ها در طبیعت و افکار تظاهر می نماید حس می کند . لذا پرستش جزء غرائز ذاتی و فطری بشر است ، یعنی بشر فطرتاً گرایش دارد که یک چیز را تقدیس و تنزیه کند و خویشتن را به او نزدیک کند پیام قرآن این است که ای انسان ! رب خود ، پروردگار خود ، صاحب اختیار خودت را پرست . الذی خلقکم و الذین من قبلکم : کسی که شما و گذشتگان شما را آفریده است . پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگرانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند . عبادت و پرستش علاوه بر اینکه نیاز فطری بشر است ، راز آفرینش انسان نیز عبادت است و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند) عبادت یک پیمان الهی است که انسان در روز ازل با خدای خود پیمان عبودیت بسته است الم اعهدالیکم یا بنی ان لاتعبد و الشیطان انه لکم عدو مبین ، و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم . (ای بنی آدم ، آیا من با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید که راه راست است و شما را به سعادت می رساند) عبادت مأموریت انسان است .

ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصین له الدین؟ (آیا مأمور نشدید که فقط خدا را خالصانه پرستش کنید) اکنون که روشن شد عبادت و پرستش از غرایز ذاتی و از نیازهای فطری انسان است جایگاه نماز در پرستش و عبودیت روشن می شود : نماز عالی ترین تجلی پرستش و عبادت است ، زیرا پرستش یا قولی است یا عملی . و نماز هر دو را در بر دارد چون اذکار نماز مانند قرائت حمد و سوره ، ذکر رکوع و سجود و تشهد عبادت قولی است و قیام و رکوع و سجود عبادت عملی است نماز رفیع ترین و با اهمیت ترین جایگاه را در عبادات دارد و در راس آنها می باشد نماز منبع تغذیه روح انسان و امداد الهی است انسان با نماز می تواند قوت بگیرد و انرژی در

جهت نیل به کمالات حاصل کند . واستعینوا و بالصبر الصلاه.... (از نماز استمداد کنید ...) کسی که می خواهد یک مسلمان واقعی و مجاهد نیرومند باشد باید نماز خوان خالص و مخلص باشد علی (ع) در آخرین وصایایش که در واپسین لحظات عمر آن حضرت بود فرمود: الله الله فی الصلوه فانها عمود دینکم : (خدا را خدا را ، درباره نماز که نماز استوانه خیمه دین شماست امام صادق(ع) در آخرین نفس های عمر با برکت خویش فرمودند : لن تنال شفاعتنا مستخفا بالصلاه (هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، خواهد رسید) . نماز بنیان اعتقادی انسان را به مبداء و معاد تقویت می کند . از حضرت علی (ع) سؤال شد : چرا ما دوبار سجده می کنیم . امیر مومنان (ع) این آیه را خواند : منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخرى . یعنی سجده یاد آور قیامت و صحنه محشر و مبعوث شدن انسان است.

شخصی از امام صادق (ع) پرسید : برترین چیزهایی که بندگان با آن به پروردگارشان تقرب می جویند و نزدیک می شوند چیست ، حضرت فرمودند : بعد از معرفت و شناخت (خداوند متعال) من بهتر از نماز نمی دانم . و همین اهمیت نماز است که نسبت به کوتاهی به آن شدیداً نهی شده است از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود: مبادا نماز خود را ضایع سازید ، زیرا هرکس که نماز خود را ضایع نماید خدا او را با قارون و فرعون و هامان محشور نماید ، و برخدا حق است که او را با منافقان در آتش افکند ، پس وای برکسی که بر نماز خود مواظبت و نگهبانی ننماید.

سبب عزت موجود نماز است نماز زینت درگاه معبود نماز است نماز

بی نماز از نظر لطف خدا محروم است شرع را مقصد و مقصود نماز است نماز

شاه عطشان که همه عاشق و دیوانه اوست گفت عز و شرف و جود نماز است نماز

خداوند به عبادت ما و هیچ موجود دیگر نیاز ندارد ، زیرا « فان الله غنی عن العالمین » (۱) خداوند از تمام جهانیان بی نیاز است . این بندگان هستند که به خداوند نیاز دارند . «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغنی الحمید» (۲) ای انسان ها شما نیازمند به خداوند هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است. بنابراین عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است. تمامی انسان ها از ابتدا تا کنون به شکلی پرستش داشته اند. روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد. پرستش و ستایش علاوه بر پر کردن خلأ تنهائی وجود انسان ، وبر آورده شدن نیاز انسان و بجا آوردن مراتب سپاس و شکر گزاری ، موجب تکامل انسانی و رسیدن به مقام قرب الهی می شود و هیچ چیزی نمی تواند جای آن را پر کند.

دانشمندان گفته اند: برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خدا مراحل باید طی شود. مرحله اول، شریعت است. برای پیمودن این مرحله باید به سراغ عبادت پروردگار رفت و با استعانت و کمک از عبادت وارد مرحله دوم یعنی طریقت شد، آن گاه از طریقت عبور کرده و به حقیقت پیوست که پیوستن قطره به دریا است.

اکنون می خواهیم این شبهه را پاسخ بگوییم که آیا: چیزی برتر و موثرتر از نماز در این مسیر وجود دارد؟ یا بهترین شکل و بهترین وسیله و نردبان برای رسیدن به «حقیقت» نماز است؟

هر کدام از مکتب ها و آیین ها اشکالی برای عبادت دارند اما همه به دنبال پرستش و عبادت اند، حتی موجودات دیگر نیز به عبادت و پرستش مشغولند.

از منابع و مآخذ اسلامی به دست می آید که برای رسیدن به حق و شاداب کردن روح عرفانی انسان، هیچ راهی بهتر از نماز یافت نمی شود. برای روح انسان شیفته هیچ غذایی سازگارتر و سرشارتر از نماز وجود ندارد، زیرا چه کسی بهتر از خداوند (که برای رسیدن به هر هدفی، ترکیب راه خاصی را مشخص فرموده است) می تواند مَرکب و معجونی برای رشد و ارتقای انسان ها پدید آورد؟ با مروری بر آیات و روایات در می یابیم که این معجون شفا بخش نماز است که اسلام آن را وسیله تقرب به خدا می داند.

هشام بن حکم از امام صادق (ع) پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آن ها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام (ص) زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است» یعنی علاوه بر آن که نماز عبادت پروردگار است، موجب طراوت مکتب و احیای دین هم هست.

بله همواره به یاد خداوند بودن بسیار عالی و ارزشمند است ، اما آیا چنین کسی را سراغ دارید ؟

کدام انسان را می یابید که با این همه چیزهائی که انسان را در این دنیا به خود مشغول داشته و با این همه عواملی که موجب غفلت و بی خبری می شوند ، همواره به یاد خدا باشند؟

و آیا نماز چیزی جز برای یاد آوری انسان ها و بیرون آوردن از غفلت است؟

راستی اگر برای ارتباط با خدا نیازی به نماز نبود، نبایستی پیامبر با آن همه فضائل و کمالات آن قدر نماز بخواند که پاهایش متورم شود یا امیرالمؤمنین (ع) و سایر امامان به نماز این همه اهمیت بدهند.

آیا کسی برتر و بیشتر از پیشوایان دینی ما با خداوند رابطه قلبی داشته است؟ آیا اگر بخواهیم کسی را مثال بزنیم که همواره به یاد خدا بوده است ، این شخص جز پیامبر اسلام و امامان معصوم بودند؟

آیا مقامی که امیرمومنان به آن دست یافته بود ، به گونه ای که فرمود اگر تمام پرده ها کنار رود بر یقین و ایمان من افزوده نمی شود ، کسی برتر از آن دست یافته است؟

پس چگونه چنین انسان هایی نه تنها خود را بی نیاز از نماز و ارتباط با خدا نمی دانستند ، بلکه شبانه روز به نماز می ایستادند و نه تنها نماز های واجب ، بلکه حتی نماز های مستحب داشتند که بنابر نقل روایات گاهی تا هزار رکعت می رسید.

هم چنین نماز رابطه بنده با خداست و طبیعی است که بنده آن را به جا می آورد که خواسته خداوند و معبود اوست و اصولاً هدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که هر انسانی بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته ، این دیگر بندگی خداوند نمی شود ، بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است.

مطمئننا این فکر که رابطه قلبی انسان را بی نیاز از نماز می کند ، چیزی جز وسوسه شیطانی برای دور کردن انسان از خدا نیست. چون خدا راه نماز را برای ایجاد رابطه بنده با او و بیرون آمدن انسان ها از غفلت و شستوی جسم و جان قرار داده قرار داده و فرموده است که «اقم الصلوة لذكری» نماز را برای یاد من برپا دار. پس آیا درک من از خدا بیشتر است؟!

در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی تواند عبادتی اختراع کند. اگر کسی وُرد و دعایی را به عنوان عبادت پدید آورد، از مصادیق روشن بدعت و تشریع است که کار حرامی است، زیرا امور عبادی را همان گونه که از طرف شارع مقدس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه بیشتر.

آن کس که تشنگی و گرسنگی را در ما آفرید ، غذا و آب را نیز خود فراهم آورده است و آن کس که نیاز به عبودیت و پرستش را در ما قرار داد ، هم او پاسخ نماز و دعا راز و نیاز را برایمان مقرر داشته است. قرآن مجید نماز را مظهر ذکر و ذکر را آرام بخش دل ها می داند.

آنچه زیبایی و حُسن و خیر است، در نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگان باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه و به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره مند می شود. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد. نیت خوب داشتن به تنهایی نمی تواند انسان را از انجام عبادت و نماز بی نیاز کند.

شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می‌باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همه زیبایی‌ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلوی بسیاری از مفاسد اجتماعی را می‌گیرد: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ" نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می‌رساند. اذان با آن محتوای زیبا دل را می‌نوازد. نماز جماعت مخصوصاً در مساجد بزرگ مانند

مسجد الحرام و مسجد النبی(ص) زیباترین جلوه عبادت و همدلی و یکرنگی و صفا و صمیمیت است. پیامبر(ص) فرمود: «نماز نور چشم من است.

نماز حضرت فاطمه (س)

روایت شده: حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می‌خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم داده بود آن حضرت در رکعت اول پس از سوره «حمد» صدر مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» صد مرتبه سوره «توحید» را قرائت می‌کردند، و چون سلام می‌دادند این دعا را می‌خواند:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةُ وَ الْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَفْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ

پاک و منزّه است آن خدایی که دارای شکوه افراشته و بلند است، پاک و منزّه است خدایی که صاحب شوکت والا و بزرگ است، پاک و منزّه است خدایی که دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه است، پاک و منزّه است آن که لباس خرمی و زیبایی به بر دارد، پاک و منزّه است آن که در پوششی از نور وقار است، پاک و منزّه است آن که ردّ پای مورچه را بر سنگ سخت می‌بیند، پاک و منزّه است آن که خطّ سیر پرنده را در هوا می‌بیند، پاک و منزّه است آن که او چنین است و جز او چنین نیست.

سید ابن طاووس فرموده: در روایت دیگری وارد شده که پس از این نماز تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده می‌شود بخوانند، و پس از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و خاندان او فرستند. و شیخ د ر کتاب «مصباح المتجهدين» فرموده است: نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است، در رکعت اول سوره «حمد» و صد مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم سوره «حمد» و صد مرتبه «توحید» خوانده شود، و چون سلام داده شد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوانند، آنگاه دعای «سبحان ذی العزّ الشامخ» را تا آخر قرائت کنند. و شیخ فرموده: کسی که این نماز را بجای آورد، چون از تسبیح فارغ شود زانوها و دستان خود را

تا آرنج برهنه نماید و همه مواضع سجود خود را بدون مانع و حایل به زمین بچسپاند و از خدا حاجت بخواهد، و به هر کیفیتی که دوست دارد دعا کند، و در همان حال سجده بگوید:

يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُعْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوَ وَصَفْحًا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

ای آن که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود، ای آن که وری او معبودی نیست که او پروا شود! ای آن که جز او فرمانروایی نیست که از او پرهیز شود! ای آن که او را وزیری نیست که به او روی آرند! ای آن که او را نگهبانی نیست تا به او رشوه داده شود! ای آنکه او را درباری نیست تا به وسیله او به درگاهش آیند! ای آن که بر اثر بسیاری درخواست، جز کرم و جود، و بر اثر کثرت گناهان جز عفو، و گذشت نیفزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنین و چنان کن.

و به جای «کذا و کذا» حاجات خویش را از خدا بخواهد. نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام: شیخ طوسی و سید ابن طاووس از صفوان روایت کرده‌اند که محمد بن علی حلبی روز جمعه، خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرضه داشت: علاقمندم به من عملی بیاموزی که بهترین کارها در روز جمعه باشد حضرت فرمود: من کسی را که برای رسول خدا عزیزتر از حضرت فاطمه باشد سراغ ندارم، و چیزی را برتر از آنچه پیامبر به فاطمه آموخت، نمی‌شناسم، پیامبر به دخترش فرمود: هر که صبح جمعه را دریابد، غسل کند و قدمهایش را بگسترده و چهار رکعت نماز (دو نماز دو رکعتی) بگذارد. در رکعت اول پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم، پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «و العادیات» و در رکعت سوم پس از «حمد» پنجاه مرتبه سوره «إذا زلزلت» و در رکعت چهارم پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «إذا جاء نصر الله...» که مراد از این سوره مبارکه نصر است یعنی آخرین سوره‌ای که نازل شده است. و چون از نماز فارغ شوند، این دعا را بخوانند:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّى أَوْ أَعْدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةِ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ فَإِلَيْكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهَيُّنَتِي وَ تَعَبُّبَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ فَوَائِدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ لَا تُخَيِّبُ عَلَيْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَتِهِ إِلَّا مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ،

ای معبود و سرور من! اگر دیگران به امید رسیدن به عطا و مواهب وجود و بخششها و هدایا آماده و مهیا و مجهز و مستعد ورود بر آفریده‌ای چون خو شده‌اند، پس خدایا! پس خدایا! مادگی و مجهز بودن و مهیا بودن و استعداد من به امید دستیابی به بهره‌ها و نیکی

و عطایا و هدایا تو تنها به سوی توست، پس مرا از این همه ناامید مساز، ای آن که خواهش هیچ نیازمندی از او بی ثمر نماند، و بخشش بخشنده‌ای از او نکاهد! من با کردار شایسته‌ای که پیش فرستاده باشم به پیشگاه تو نیامده‌ام، و با یاری آفریده‌ای که به او امید بسته باشم و با آن به تو تقرب جویم، به درگاهت بار نیافتم جز به امید شفاعت محمد و خاندان او که درود تو بر او و بر ایشان باد،

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عُذْتُ بِهِ عَلَى الْخَطَايَا عِنْدَ عَكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عَكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَاذُ بِالنِّعْمَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْخَطَاءِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

در حالی به نزد تو آمدم که گذشت کریمانهات را امید دارم، گذشتی که به آن بر خطاکاران در حال پافشاری بر گناهان است، پس مداومت آنان بر کارهای حرام تو را از اینکه آمرزش را بر آنان ارزانی داری باز نداشت، و تو ای سرور من! بسیار بر نعمت بخشی بازگردی و من بر خطا کاری، به حق محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگام را بیامرزی، زیرا گناه بزرگ را جز آمرزگار بزرگ نیامرزد؛ ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ!

مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» [زیبایی ایام هفته] برای هر یک از امامان علیهم السلام نمازهای به همراه دعا ذکر نموده که شایسته است در اینجا بیان شود.

نقش نماز در تامین امنیت اجتماعی

بدون شک امنیت اجتماعی، در تمامی جوامع بشری همواره از جانب کسانی تهدید و مختل گردیده که شخصیت فردی آنان بنا به علل گوناگون مورد اهانت واقع شده و در نتیجه «کرامت نفس» خود را از دست داده اند. چنین افرادی که شخصیت آنها لگدکوب گردیده و دیگر عزت و کرامتی برای خود قایل نیستند، از دست زدن به انواع و اقسام بزهکاریها و جرم و جنایتهای اجتماعی، ابایی نداشته و احساس شرمساری نمی کنند و به همین دلیل جامعه از شر آنها ایمن نخواهد بود؛ همچنان که در سخن حکیمانه ای که از پیشوای دهم شیعیان امام هادی - علیه السلام - نقل شده می خوانیم:

"من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره"

"کسی که خود را خفیف و خوار می داند و در باطن، احساس پستی و حقارت می کند از شر او ایمنی نداشته باش".

اما نقطه مقابل «ذلت نفس»، «کرامت نفس» و احساس عزت نمودن است که آدمی را از هر گونه گناه فردی و اجتماعی مصون می دارد؛ همان گونه که امیرمومنان علی - علیه السلام - در کلامی آسمانی فرمود: "من کرمتم علیه نفسه لم يهنها بالمعصية"

"آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور دارد هرگز با پلیدی گناه پست و موهونش نمی کند".

با توجه به آنچه آمد، این نتیجه حاصل می شود که برای برقراری «امنیت اجتماعی» یکی از راهکارهای اساسی و مهم، آن است که عوامل عزت آفرین و کرامت بخش را شناسایی نموده و تقویت نمود تا افراد جامعه با تمسک و عمل به آنها از چنان کرامت نفسی برخوردار شوند که ارتکاب گناه - حتی در خلوت و پنهانی - برای آنها امری دشوار و هراسناک جلوه کند. در نتیجه انسانی که از چنین «تربیت الهی» برخوردار شد هرگز نه در عرصه زندگی فردی و نه در عرصه زندگی اجتماعی، تهدیدی برای «امنیت و آسایش» خود و جامعه نخواهد بود.

برای برقراری «امنیت اجتماعی» یکی از راهکارهای اساسی و مهم، آن است که عوامل عزت آفرین و کرامت بخش را شناسایی نموده و تقویت نمود تا افراد جامعه با تمسک و عمل به آنها از چنان کرامت نفسی برخوردار شوند که ارتکاب گناه - حتی در خلوت و پنهانی - برای آنها امری دشوار و هراسناک جلوه کند.

بدون شک در این راه، یکی از مهم ترین عوامل و راهکارهای قابل توجه که در عین حال هیچ گونه هزینه ای در بر ندارد، امر مقدس و عظیم «نماز» می باشد؛ چرا که نماز در واقع حلقه اتصال انسان با وجودی عظیم الشان و بی نهایت به نام خداست که یکی از مهم ترین اسامی و صفات او «کریم» به معنای بزرگوار است. کسی که به مصداق آیه شریف (فان العزة لله جميعاً) دارنده تمامی مراتب عزت می باشد، به یقین انسانی که با او مرتبت شد، رنگ و بوی خدایی به خود می گیرد و «کریم» می گردد و «عزیز» می شود؛ چون چنین شد هرگز نفس کریم و عزیز خود را به گناه نمی آلود و جامعه از جانب او در امن و آسایش قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر همان گونه که می دانیم، خداوند عزیز در سوره مبارک عنکبوت، آیه ۴۵ یکی از مهم ترین آثار نماز را دور نمودن نماز گزار از «فساد و فحشاء» معرفی می نماید، آنجا که می فرماید:

(ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر)

در نتیجه انسان نمازگزار فردی است که گرد گناه نمی گردد؛ چرا که صبح و شام با خدای خود در راز و نیازی عاشقانه است و حضور او را مستمراً درک می کند و چنانچه صحنه گناه و تجاوز به حقوق دیگران پیش آید، پا پس می کشد و مرتکب گناه نمی شود؛ چه آن که خداوند را حاضر و ناظر می داند، از این رو جامعه از جانب او در امن و امان خواهد بود.

نگاهی هر چند گذرا به تاریخچه زندگی بزهکاران و آنان که «امنیت اجتماعی» را به نحوی از انحاء مختل نموده اند، به خوبی این نکته را به اثبات می رساند که اکثر قریب به اتفاق آنان، کسانی بوده اند که با نماز و مسجد ارتباطی نداشته و به این دو عنصر انسان ساز علاقه ای نشان نداده اند. بدین ترتیب خود را در عرصه حیات، یگانه و آزاد انگاشته و دست به گناهان عظیمی همچون قتل، تجاوز به عنف، سرقت و ... آلوده اند و جوامع بشری را با «ناامنی» مواجه نموده اند.

حال آنکه در میان کسانی که در طول حیات خود بیشترین تعهد و مسئولیت را نسبت به جان، مال، عرض و ناموس دیگران داشته اند، همواره نام «نمازگزاران» و مقیدین به نماز از درخشندگی ویژه ای برخوردار بوده است؛ زیرا نمازگزار می داند که «اقامه نماز» با «تجاوز به حقوق دیگران» سازگاری ندارد و اصولاً نمازی که در کنار آن به نوعی «تجاوز» به حقوق انسانها باشد، نماز نخواهد بود.

جایی که بودن حتی یک تار نخ غصبی در لباس نمازگزار، موجب بطلان نماز گردد، مسلم است که نماز گزار خود را مقید به رعایت حقوق دیگران می کند و از دست یازیدن به گناهی بزرگ تر خودداری می ورزد. مطالعه زندگی نمازگزاران حقیقی در طول تاریخ اثبات کننده این حقیقت مسلم است که برای برقراری «امنیت اجتماعی» هیچ عاملی برتر از نماز نمی باشد؛ چرا که خاصان درگاه خداوندی، چنان تقیدی به رعایت حقوق مردمان داشته اند که گاه تا مرز وسواس پیش رفته اند. اگر سلسله جنبان عرفان و تقوا، مولای متقیان علی - علیه السلام - در کلام نورانی خود می فرماید:

"وَاللّٰهُ لَوْ اَعْطٰتِ الْاَقَالِیْمَ السَّبْعَةُ بِمَا تَحْتَ اَفْلا کِهَا عَلٰی اَنْ اَعْصِیَ اللّٰهُ فِی نَمْلَةٍ اَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِیْرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ"

به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهاست به من دهند تا خدای را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بگیریم، چنین نخواهم کرد...!

بدون تردید این همه تقید به رعایت حقوق دیگران - و حتی حیوانات - از تاثیر «نمازهای حقیقی» آن یگانه عالم خلقت بوده و این گونه است که نماز «نفس سرکش» را مؤدب به آداب الهی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران نموده و در نتیجه «امنیت اجتماعی» را در بالاترین سطح برای جوامع بشری به ارمغان می آورد.

آری، «نماز» بنا به تصریح آیه شریفه (اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ) انسان را از «غیبت»، «دروغ»، «سرقت»، «قتل نفس»، «تجاوز به حریم خصوصی دیگران»، «ربا خواری»، «زنا»، «چشم چرانی»، «تهمت»، «حرام خواری»، «قمار»، «شرب خمر»، و هر آنچه که به نوعی منجر به تجاوز به حقوق دیگران و در نتیجه ایجاد اختلال در «امنیت اجتماعی» می گردد برحذر می دارد.

مگر فقدان امنیت اجتماعی در جوامع بشری به غیر از این امور و امثالهم، سرچشمه ای دیگر دارد؟! و مگر تمام هم و غم متولیان ایجاد «امنیت» و تئوری پردازان اجتماعی، دست یافتن به راه حلی عملی و کارا برای از بین بردن ناامنی و ریشه کن کردن عوامل آن نمی باشد؟ پس چرا باید از سهل ترین و در دسترس ترین و ارزان ترین راه حل این امر یعنی «نماز» غافل باشیم؟

نگاهی به تاریخ زندگی سراسر مجاهدات انبیا - علیهم السلام - به ویژه پیامبر مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه اطهار - علیهم صلوات الله - این نکته را به اثبات می رساند که اگر آن بزرگواران در نهضتهای مقدس و حرکتهای تعالی آفرینشان به موفقیت‌های بی نظیری دست یافته اند و توانسته اند حرکت اصلاحی خود را به پیش برده و فریاد توحید سردهند، مهم ترین عامل آن

را باید در همان «امنیت فردی» و «سکینه و آرامشی» جست و جو کرد که در اثر ارتباط با خداوند از طریق «نماز» به دست آورده اند.

از این رو ما معتقدیم برای برقراری امنیت اجتماعی، بهترین و مهم ترین راه، اصلاح و بهینه سازی رابطه بین «انسان» و «خداوند» و تلاش در جهت آشنا کردن «انسانها» با «خالق خویش» می باشد. البته این امر نیز ممکن نخواهد بود مگر از طریق «اقامه نماز» با توجه به تمامی شرایط صحت و قبول آن.

چند حکایت خواندنی با موضوعیت نماز:

حاج عبدالرزاق زین الدین، پدر شهیدان مهدی و مجید زین الدین، می گوید: شهید رجایی - رحمه الله علیه - می فرمود: چطور وقتی تلفن زنگ می زند، شما مضطربید که زود بروید و جواب دهید تا آقایی که پشت خط هست زیاد معطل نشود، حتی اگر در نماز هستید، نماز را سریع می خوانید تا بیاید جواب تلفن را بدهید! اذان که می گویند، خداوند پشت خط است؛ وظیفه ما این است که لبیک بگوییم.

جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت سه قفل در زندگی ام وجود دارد و سه کلید از شما می خواهم.

- قفل اول اینست که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم .

- قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد .

- قفل سوم اینکه دوست دارم عاقبت بخیر شوم.

شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول، نماز را اول وقت بخوان.

برای قفل دوم نماز را اول وقت بخوان.

و برای قفل سوم نماز را اول وقت بخوان.

جوان عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟؟!

شیخ نخودکی فرمود : نماز اول وقت شاه کلید است .

ابوعثمان می گوید: من با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم ، او شاخه خشکی را گرفت و تکان داد همه برگهایش فرو ریخت .

آنگاه به من گفت : نمی پرسی چرا چنین کردم ؟

گفتم : چرا این کار را کردی ؟ در پاسخ گفت : یک وقت زیر درختی در محضر پیامبر (ص) نشسته بودم ، حضرت شاخه خشک درخت را گرفت و تکان داد تمام برگهایش فرو ریخت . سپس فرمود: سلمان ! سؤ ال نکردی چرا این کار را انجام دادم ؟ گفتم : منظورتان از این کار چه بود؟

فرمود: وقتی که مسلمان وضویش را به خوبی گرفت ، سپس نمازهای پنجگانه را بجا آورد، گناهان او فرو می ریزد، همچنان که برگهای این درخت فرو ریخت.

مردی صبح زود از خواب بیدار شد تا نمازش را در مسجد بخواند. لباس پوشید و راهی خانه خدا شد.

در راه مسجد، مرد زمین خورد و لباسهایش کثیف شد. او بلند شد، خودش را پاک کرد و به خانه برگشت.

مرد لباسهایش را عوض کرد و دوباره راهی خانه خدا شد. در راه به مسجد و در همان نقطه مجدداً زمین خورد!

او دوباره بلند شد، خودش را پاک کرد و به خانه برگشت. یک بار دیگر لباسهایش را عوض کرد و راهی خانه خدا شد.

در راه مسجد، با مردی که چراغ در دست داشت برخورد کرد و نامش را پرسید.

مرد پاسخ داد: من دیدم شما در راه به مسجد دو بار به زمین افتادید از این رو چراغ آوردم تا بتوانم راهتان را روشن کنم.

مرد اول از او بطور فراوان تشکر می کند و هر دو راهشان را به طرف مسجد ادامه می دهند. همین که به مسجد رسیدند، مرد اول از

مرد چراغ بدست درخواست می کند تا به مسجد وارد شود و با او نماز بخواند.

مرد دوم از رفتن به داخل مسجد خودداری می کند.

مرد اول درخواستش را دوبار دیگر تکرار می کند و مجدداً همان جواب را می شنود.

مرد اول سوال می کند که چرا او نمی خواهد وارد مسجد شود و نماز بخواند.

مرد دوم پاسخ داد: "من شیطان هستم". مرد اول با شنیدن این جواب جا خورد.

شیطان در ادامه توضیح می دهد: من شما را در راه به مسجد دیدم و این من بودم که باعث زمین خوردن شما شدم. وقتی شما به

خانه رفتید، خودتان را تمیز کردید و به راهتان به مسجد برگشتید، خدا همه گناهان شما را بخشید .

من برای بار دوم باعث زمین خوردن شما شدم و حتی آن هم شما را تشویق به ماندن در خانه نکرد، بلکه بیشتر به راه مسجد

برگشتید. به خاطر آن، خدا همه گناهان افراد خانواده ات را بخشید .

من ترسیدم که اگر یک بار دیگر باعث زمین خوردن شما بشوم، آنگاه خدا گناهان افراد دهکده تان را خواهد بخشید.

بنا براین، من از سالم رسیدن شما را به مسجد مطمئن شدم.

امام رضا (ع) و نماز اول وقت به جماعت:

ابراهیم بن موسی از القزّاز می گوید: امام رضا علیه السّلام به عنوان استقبال از بعضی از طالبان خارج شد (در حالی که من با عده ای از یاران با آن حضرت همراه بودیم). وقت نماز فرا رسید. قصری در آن حوالی بود. امام (ع) با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی ایستادند و سپس امام به من فرمودند: ((اذان بگو))

عرض کردم: ((منتظر رسیدن و ملحق شدن بعضی از یاران هستیم که بیایند))

حضرت فرمود: ((خدا تو را بیامرزد، نماز را از اول وقت بدون عذر به تأخیر نینداز. بر تو باد خواندن نماز در اول وقت.))
راوی گفت: پس اذان گفتم و نماز خواندیم.

خواننده محترم، نمازی که امام رضا (ع) به پا داشت، نماز جماعت بود که هر چه جمعیت بیشتر باشد ثواب نماز جماعت بیشتر است، ولی توجه نمودید که امام (ع) اجازه نفرمود نماز اول وقت، به خاطر رسیدن و ملحق شدن بقیه یاران به تأخیر بیفتد، بلکه تأکید کرد که نماز اول وقت خوانده شود و تأخیر را صلاح ندانست. اینکه امام رضا (ع) فرمود: ((ای موسی، بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت بپا داری)) خطاب به فرد فرد ماست و اختصاص به آن شخص ندارد.

امام سجّاد (ع) و نماز اعرابی: عربی وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله و سلّم شد، با عجله تمام دو رکعت نماز گذاشت، در هیچ رکنی شرایط و آداب مربوطه نکرد و در قرائت و حفظ مخارج و الفاظ و حروف و کلمات هیچ گونه دقّتی به عمل نیاورد. به عبارت دیگر، نماز را با طمأنینه و سکون، و وقار و خضوع و خشوع به جا نیاورد. آنگاه برای دریافت مزد نمازی که خوانده بود دستهایش را به آسمان برداشت و گفت: ((خدایا، اعلی علّیین، بهشت را روزی من کن و قصری زرّین و چهار حوریه به من عطا فرما)). از قضا امام سجّاد (ع) در آنجا حضور داشت و نماز خواندن شتابزده و در خواست اعرابی را از خداوند شنید، پس خطاب به او فرمود: ((ای برادر عرب، کابین و ازدواج بزرگی طلب می کنی.))

یعنی نمازی که تو با این وصف گزارده ای، شایستگی درخواست بهترین نعمتها و عالی ترین مکانها را از درگاه باری تعالی ندارد.

نتیجه گیری

از این مقاله که سعی شده است با روشی ساده بیان شده نتیجه میگیریم که مهمترین راه رسیدن به الطاف الهی نماز است که از دستاورد های نماز به جز این مورد میتوان پاک شدن انسان ها، دوری از گناه، جلوگیری از ناهنجاری در عصر مدرن و ... نام برد. از جهت دیگر نیز می توان به این موضوع نگاه کرد که به بررسی اثرات نماز نخواندن پرداخته شد که این اثرات عبارت اند از کافر

شدن، رفتن به دوزخ و نگاه کردن به بهشتیان که با حسرت و ندامت همراه است، به خطر انداختن جامعه در عصر مدرن و خانواده ها نیز باید بدانند که به فرزندان در کودکی نماز و امر به معروف را آموخته تا فرزندان عاقبت به خیر شوند. به طور کلی نتیجه می گیریم که نماز معراج رسیدن به عروج است.

منابع :

- ✓ قرآن کریم
- ✓ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۴۰
- ✓ فرهنگ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۲۳
- ✓ بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۳
- ✓ تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۵
- ✓ دیوان حافظ
- ✓ الحدیث (روایات تربیتی)، مرتضی فرید، ج ۲، ص ۳۷۳
- ✓ نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴
- ✓ غلامعلی نعیم آبادی، نماز زیباترین الگویپرستش، ص ۳۵، به نقل از علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۰
- ✓ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۱
- ✓ وسائل الشیعه، حر عاملی، آل بیت قم، ج ۴، ص ۲۶۴
- ✓ توضیح المسائل امام خمینی (ره)
- ✓ در سنگر نماز، مؤسسه نشر آثار امام، قم، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۴۶
- ✓ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷
- ✓ ر.ک. توضیح المسائل، امام خمینی، مسأله ۱۴۰۰
- ✓ (بحارالانوار، مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۰۳، بیروت)
- ✓ السیره النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۴۱ - ۱۳۹
- ✓ سایت های اینترنت مجاز و قرآنی